

# نگرشی اجمالی بر وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: بهجت الملوک مظفری

تقارن چاپ این شماره از نشریه باخسته زادروز دخت گرامی پیامبر اکرم حضرت فاطمه زهرا سلام... علیها و ز مادر و هفته بزرگداشت مقام زن را مغتنم دانسته، سالروز این رویداد را که در حقیقت گشایش بایی برای ادامه سلاله پیامبر می باشد به عموم مسلمین جهان خاصه زنان ایران اسلامی تهنیت می گوئیم، امید داریم تمامی زنان مسلمان باتأسی به زندگی خانوادگی و فعالیتهای اجتماعی این بزرگ بانوی اسلام دراعتلای شخصیت والای خود کوشا باشند.

به یمن این روز فرخنده در راستای شرکت در گرامیداشت زن برآن شدیم مروری اجمالی بر وضعیت اشتغال زنان داشته باشیم؛ گزارشهای توسعه انسانی سازمان ملل مبنی بر آن است که زنان گرچه نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند سهمشان در جمعیت فعال اقتصادی حدود ۳۰ درصد و در برخی از کشورها بسیار کمتر از این برآورد شده است.

بطور کلی در کشورهای درحال توسعه زنان در بخش رسمی فرصتهای شغلی کمتری دارند ولی در بخش غیر رسمی بدون هیچگونه دستمزدی مشغول کار هستند، زنان شاغل در بخش رسمی نسبت به مردان ساعات بیشتری کار می کنند و دستمزد کمتری دریافت می نمایند، (بطور متوسط زنان ۲۵ درصد کمتر از مردان دستمزد دریافت می کنند) به دلیل عدم دسترسی به امکانات، توانائی خوداشتغالی آنها کمتر است و ساعات طولانی تری کار می کنند ولی نتیجه کارشان در آمارهای ملی کشورهای درحال توسعه بحساب نمی آید درحالیکه در بسیاری از فعالیتهای زراعی و دامی بخصوص در برخی از مناطق جغرافیائی بیش از نیمی از نیروی کار را زنان تأمین می کنند، آمارهای ملی تعداد زنان شاغل را کمتر از ۷ درصد نشان می دهد.

ماحصل بررسیهای محققان جامعه شناسی نشان می دهد بدون بکارگیری زنان و فراهم آوردن امکانات مساوی برای آموزش، رشد و اشتغال زنان رسیدن به توسعه امکانپذیر نمی باشد، قبل از سالهای ۱۹۷۵ تلاش برآن بود که مشکلات رفاهی زنان حل شود لیکن در سالهای اخیر دیگر زن تنها دریافت کننده کمکها نیست، زن تولیدکننده، مشارکت کننده و برخوردار شونده از امکانات بدست آمده در فرآیند توسعه است و برای رسیدن به این جایگاه لازم است ابتدا بستر مناسب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شایسته ای فراهم شود، یعنی از طریق فرهنگ سازی جو مناسب برای آموزش دانش و مهارت زنان و خودباوری آنها ایجاد شود و ساختار وضعیت اجتماعی به گونه ای گردد که فرصتها و امکانات مناسب جهت مشارکت زنان در سازندگی فراهم شود.

بررسی پیشینه تاریخی اشتغال زنان نشاندهنده آن است که از ابتدای حیات بشری زنان در تولید محصولات کشاورزی، دامی و صنایع دستی فعال بوده اند. لیکن از آنجاکه اشتغال آنان در بیشتر موارد بدون دریافت کارمزد و در بخشهای غیررسمی اقتصاد بوده است در محاسبات درآمد ملی به حساب نمی آمده است. در ایران شروع کار رسمی زنان در نظام اداری (اعم از بخش خصوص و دولتی) از زمان قاجار می باشد براساس اسناد موجود در این عصر اشتغال زنان و کودکان در صنایع کشور به طور وسیعی رایج بوده بطوریکه در کارخانه ابریشم بافی رشت

تمامی کارگران زن بوده‌اند، در کارخانه پشم ریزی و شرکت زینگر<sup>(۱)</sup> در سلطان آباد، درشیلات شمال<sup>(۲)</sup> و... بیشتر نیروی انسانی را زنان تشکیل می‌دادند، باید در نظر داشت که در این زمان نوع اشتغال زنان برحسب مهارت‌های یدی بوده که در خانواده کسب کرده بودند.

پس از دوران قاجار در دوره بعدی در سرشماری سال ۱۳۱۱ مشخص گردید که ۱۰۶۶۶ زن شاغل می‌باشند، براساس آمار اشتغال این زنان در سه گروه مشاغل آزاد، حرفه و صنعت و امور کسبی بود و این تعداد ۱۰ درصد از کل زنان ساکن پایتخت بودند، آمار نشان می‌دهد این نسبت طی چهار سال اخیر در مورد سهم زنان در کل اشتغال کشور ثابت بوده است. یکی از زمینه‌هایی که در سال‌های اخیر جهت اشتغال زنان ایجاد شده بکارگیری آنان در بخش تعاون می‌باشد بطوریکه در سال ۱۳۷۰ از این طریق برای ۱۴ درصد زنان بیکار و در جستجوی کار اشتغال ایجاد شده است با توجه به اینکه بدلیل شرایط خاص زندگی در این برهه سازندگی در ایران کار زنان یک نیاز اقتصادی و روانی می‌باشد براساس سیاست‌های دولت جهت بالابردن سطح آموزش و مهارت زنان و بکارگیری آنها در امر توسعه در حال حاضر زنان در بخش دولتی در امور آموزشی تحقیقاتی، تولیدی و صنعتی کشور با جدیت تمام فعال می‌باشند و بیشتر برای فعالیت بخش دولتی را ترجیح می‌دهند بطوریکه ۹۰ درصد از کل زنان پژوهشگر در بخش دولتی مشغول می‌باشند و تنها ۱۰ درصد در بخش خصوصی فعالیت دارند، به دلیل شرایط اقتصادی و آموزشی در ایران نسبت زنان شاغل در بخش صنعت در مقایسه با کشورهای پیشرفته و حتی برخی از کشورهای در حال توسعه کمتر می‌باشد، درصد بیکاری زنان نسبت به مردان بیشتر بوده و دسترسی کمتری برای احراز پست‌های بالاتر داشته‌اند. در سال ۱۳۶۵، ۵۱/۵ درصد زنان شاغل در امر خدمات عمومی، ۲۶/۶ درصد در کشاورزی و ۲۱/۹ درصد در صنعت اشتغال داشته‌اند.

از کل جمعیت کشور در سال ۱۳۷۳ (حدود ۶۱/۵ میلیون نفر) بیش از ۱۵/۳۶ میلیون نفر جمعیت فعال بوده که در مقایسه با سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۰ به ترتیب ۵۶/۹، ۱۹/۹ و ۴/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. از سوی دیگر با مقایسه روند تغییرات نرخ فعالیت عمومی مشاهده می‌شود که این نرخ از ۲۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ترتیب به ۲۵/۹، ۲۶/۳، ۲۵/۹ و ۲۵ درصد در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳ رسیده است. به این ترتیب می‌توان دریافت از میزان فعالیت عمومی کاسته شده و یا به تعبیر دیگر، رشد جمعیت فعال کمتر از رشد جمعیت شده است (۲/۵ درصد در مقابل ۳/۹ درصد طی دهه منتهی به ۱۳۶۵).

در حال حاضر نرخ عمومی فعالیت در کشور نسبتاً پایین است که یکی از دلایل عمده این امر مشارکت پایین زنان در امور اقتصادی جامعه (خارج از منزل) است. افزایش نرخ بیکاری در دوره ۶۵-۱۳۵۵ از ۱۰/۲ درصد به ۱۴/۲ درصد مشخص کننده این امر است که به میزان قابل ملاحظه‌ای به تعداد بیکاران افزوده شده است (۹۰۰ هزار نفر) که در صورت محاسبه رشد سالانه، به رقم ۶/۵ درصد در سال می‌رسد. در حالی که رشد جمعیت فعال برابر ۲/۳ درصد بوده است. البته در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳ ارقام محاسبه شده بهبود نسبی در کاهش نرخ بیکاری را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۰ نرخ بیکاری ۱۱/۱ درصد بوده که در سال ۱۳۷۳ به ۹/۷ درصد کاهش یافته است. گرچه میزان جمعیت بیکار در سال ۱۳۷۳ (۱/۵ میلیون نفر) رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد.

۱- یک شرکت انگلیسی

۲- امتیاز این شرکت به لیانوزوف روسی واگذار شده بود.

## بررسی وضع اشتغال و بیکاری در جمعیت فعال

براساس آمار موجود، از جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر کشور ۹۰/۲۱ درصد شاغل و ۹/۹۷ درصد بیکار و جویای کار هستند. ۸۷/۹ درصد جمعیت فعال را مردان و ۱۲/۱ درصد را زنان تشکیل می دهند، درصد اشتغال و بیکاری بین مردان به ترتیب ۹۰/۶۷ درصد و ۹/۳۳ درصد و بین زنان ۸۶/۸۳ درصد و ۱۳/۱۷ درصد است.

جمعیت شاغل به تفکیک بخش خصوصی و عمومی در دوره ۷۳ - ۱۳۵۵ (هزار نفر)

بخش		سال			
		۱۳۷۳	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵
کل		۱۳۸۷۰	۱۳۰۹	۱۱۰۳۵	۸۷۹۹
خصوصی	تعداد	۹۸۱۲	۸۵۳۴	۸۷۱۷	۷۰۷۶
	درصد	۷۰/۷	۶۵/۲	۶۵	۸۰
عمومی	تعداد	۴۰۵۸	۴۳۴۶	۳۴۵۴	۱۶۷۳
	درصد	۲۹/۳	۳۳/۲	۳۱	۱۹/۵

سهم بخش خصوصی در ایجاد اشتغال طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ از ۸۰ درصد به ۶۵ درصد کاهش داشته و در عوض سهم بخش عمومی از ۱۹/۵ درصد به ۳۱ درصد افزایش یافته است. در صدهای بدست آمده تا سال ۷۰ ثابت مانده که علت اصلی این امر تغییر مالکیت واحدهای تولیدی در کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده است. اما این نسبتها در سال ۱۳۷۳ دچار تغییر شده و به سود بخش خصوصی روبرو افزایش گذاشته است. به طوری که سهم بخش خصوص از ۶۵/۶ درصد به ۷۰/۷ درصد افزایش پیدا کرده و بخش عمومی از ۳۳/۲ درصد به ۲۹/۳ درصد کاهش یافته است. دلیل این مسئله را می توان تغییر سیاستهای اقتصادی دولت در جهت خصوصی سازی و اقتصاد بازار عنوان کرد.

## وضعیت جمعیت بیکار از نظر جنس و سواد

در ترکیب کل جمعیت بیکار (جویای کار) ۸۷/۸ درصد با سواد و بقیه بیسواد هستند این ترتیب در مورد زنان، وضع مطلوبتری را نشان می دهد ۹۸ درصد زنان با سوادند. در حالی که درصد باسوادی در مردان به ۸۶ درصد می رسد. براساس آمار، مهاجرت زنان جویای کار، کمتر از مردان است (۸/۲ درصد در مقابل ۹/۸ درصد) نتیجه این است که افراد بیکار بیشتر علاقه مند هستند در همان محلی که ساکن هستند، کار کنند.

روند تغییرات بازار کار و کاهش نرخ بیکاری از دیدگاه اشتغال قابل توجهیه است. اما نکته مهمی که باید به آن توجه کرد مقایسه افزایش اشتغال در ارتباط با تولید ناخالص ملی و روند تغییر تولید سرانه و نرخ بازدهی نیروی کار است، به این معنی که کاهش بازدهی موجب ایجاد شغل نشده است. وقوع این امر در دهه ۶۵-۱۳۵۵ از طریق بیکاری پنهان، کم کاری، اُفت بهره وری و بروز مشاغل غیر رسمی به بازار کار صورت گرفت.

## آموزش زنان

در زمینه آموزش، وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران به گونه ای رضایت بخش بهبود یافته است. نگاهی به آمارهای سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ در مورد وضعیت سواد افراد جامعه ایرانی، این واقعیت را روشن می کند که روند سوادآموزی در ایران باشتابی چشمگیر و به رشد بوده است. قبل از انقلاب اسلامی، بیش از نیمی از جمعیت ایران از نعمت سواد محروم بودند، پس از انقلاب با تلاش همه جانبه دولت جمهوری اسلامی ایران، اقبال زنان برای یادگیری دانش نوشتن و خواندن رو به فزونی نهاد. در عین حال بین آمار مربوط به باسوادی زنان و مردان تفاوتی مشاهده می شد که روند کاهش این تفاوت بسیار پرشتاب است.

طبق آمار سال ۱۳۵۵، تنها ۴/۶ میلیون نفر از زنان، یعنی ۳۵/۵ درصد از آنان، از نعمت سواد بهره مند بوده اند. در آن سال ۸/۲ میلیون نفر از مردان ایرانی (۵۸/۹ درصد) توانایی خواندن و نوشتن داشتند. نتایج اولیه سرشماری عمومی کشور پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نشان داد که طی ده سال تعداد زنان باسواد بیش از دو برابر شده و به ۹/۸ میلیون نفر (معادل ۵۲/۱ درصد) افزایش یافته است و بالاخره در سال ۱۳۷۰، ۱۴/۸ میلیون نفر زن (۶۷/۱ درصد) و ۱۹ میلیون نفر مرد، باسواد بودند.

آمار موجود در این زمینه همچنین بیانگر آن است که تعداد دانش آموزان دختر که دوره ابتدائی را گذرانده اند، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰، بیش از سه برابر شده است، حال آنکه افزایش دانش آموزان پسر به این نسبت نبوده و این امر خود نشانه از کم رنگ شدن عوامل بازمانده دانش اندوزی دختران است. براساس آخرین آمار موجود در سال تحصیلی ۷۵-۷۴ حدود ۴۶/۲۶ درصد از دانش آموزان کل کشور را دختران تشکیل داده اند. نسبت فوق در سطوح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و آموزش فنی و حرفه ای به ترتیب ۴۷/۱۰ درصد، ۴۴/۹۱ درصد، ۴۴/۶۷ درصد و ۲۲/۳۱ درصد بوده است. از مجموع ۵۲۶۶۲۱ نفر دانشجویان کل کشور در سال تحصیلی ۷۵-۷۴، ۳۲/۶۳ درصد را زنان به خود اختصاص داده اند. این نسبت در مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه ای و دکتری تخصصی به ترتیب ۱۱/۹۰ درصد، ۷۶/۶۳ درصد، ۲/۳۹ درصد، ۷/۴۱ درصد و ۱/۶۷ درصد بوده است. بر طبق آمار ارائه شده از سوی دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ از رقم ۵۲۱۴۷۲ نفر دانشجویان آن دانشگاه ۴۰/۷۸ درصد را زنان به خود اختصاص داده اند. این نسبت در مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۹/۸۲ درصد، ۸۶/۹۶ درصد، ۵/۶۶ درصد، ۲/۸۹ درصد بوده است.

از سوی دیگر از لحاظ گروههای عمده شغلی، ۱۷/۴ درصد زنان در مشاغل علمی، فنی و تخصصی، ۳/۴ درصد در مشاغل دفتری و اداری، ۲۶/۳ درصد را کشاورزان، دامداران، جنگلداران، ماهیگیران و شکارچیان، ۴۸/۳ درصد در مشاغل تولیدی و امور حمل و نقل و ۱/۵ درصد را شاغلین امور بازرگانی و فروشندگان تشکیل می دهند.

نسبتهای وضعیت تحصیلی و اشتغال زنان بیانگر بالا رفتن میزان تحصیلات زنان در سالهای اخیر می باشد و از آنجا که تحصیلات و تخصص زیربنای اشتغال می باشد و بانسبتهایی که در حال حاضر در زمینه اشتغال زنان وجود دارد امید است در سالهای آتی شاهد فعالیت هرچه بیشتر زنان در عرصه سازندگی میهن اسلامیان باشیم.